

- عاشقانه‌هایی از جهاد و شهادت** / یادداشتی بر مجموعه شعر «خط» اثر قاسم صرافان
- شعر مدرن مذهبی /**نگاهی به مجموعه شعر «زیر درخت آفتاب» از م.موید

یادداشتی بر مجموعه شعر «خط»اثر قاسم صرافان

عاشقانه‌هایی از جهاد و شهادت

الف. گیلوایی: مجموعه شعر «خط»، اثر قاسم صرافان را انتشارات فصل پنجم در ۱۷۶ صفحه در ۵ فصل منتشر کرده است؛ فصل اول تا پنجم با عنوان‌های «یاد یاران»، «در جماران»، «با علمداران»، «همه‌جا میدان» و «دنیای بیداران»؛ این مجموعه

شامل غزل‌ها و چارپاره‌هاست، به همراه چند مثنوی و چند شعر نیمایی. اشعار این مجموعه درباره «جهاد و شهادت» است و بسیاری از اشعار این دفتر تقدیم شده است به حضرت امام خمینی «ره» (کل اشعار فصل دوم)

و بزرگانی همچون: شهید حسین خرازی، حاج‌احمد متوسلیمان، ۷ هزار بانوی شهید دفاع‌مقدس، مادران شهید، همسران جانبازان، شهدای دانشجو و دانش‌آموز، دو یار شهید رجایی و باهنر، شهدای فاطمیون و دلاورمردان افغانستان، شهدای اهل تسنن مدافع

حرم، حاج‌قاسم سلیمانی، شهدای حرم و همسران‌شان، شهید حاج‌حسین همدانی، شهدای راه دانش و نیز اشعاری از زبان پدر شهید، از زبان پدران و مادران غواص، از زبان فرزند شهدا سروده و همچنین چند تقدیم‌نامه دیگر سروده، از جمله برای شاعره بحرینی بانو آیات القرمرزی و شیخ‌ابراهیم زکراکی بزرگمرد نیجریه و زاریا و دیگران و بسیاری از شهدای بزرگ یا مشهوری که نام‌شان در اشعار قاسم صرافان آمده و شعر و دفترش را متبرک کرده است. عناوین اشعار دفتر «خط» را نیز اگر اضافه می‌کردیم بر این فهرست، دیگر کاملاً درمی‌افتد که این مجموعه در کدام فضا اشعارش را سیر داده است؛ سیری معنوی و روحانی از دنیای مادی!

در ضمن، برخی اشعار این مجموعه، بویژه بسیاری از چارپاره‌ها به زبان محاوره و عامیانه سروده شده است. البته ممکن است گاه شاعر برای عاطفی‌تر و صمیمی‌تر شدن بعضی از فضاها و اشعار، از این زبان استفاده کرده باشد اما این اشعار در حدیث و متانت خود استوار است؛ آن‌گونه که ترانه‌هایی نیز به این زبان دارد که هم تم و تازگی‌شان را دارند و هم سادگی و صمیمت‌شان را، در عین حال ترانه‌هایی سنگین و متین می‌باشند؛ مثل بسیاری از ترانه‌های قاسم صرافان؛ همان‌گونه که بسیاری از مرثیاتی قاسم صرافان چنین قابلیت‌هایی را دارند. قاسم صرافان متولد ۱۳۵۵ خورشیدی از جمله شاعران بااستعداد و پرشوری است که در زمینه شعر کلاسیک و در

قالب‌های گوناگون کلاسیک و تا حدی در حوزه شعر نیمایی و همچنین از فعالان دو حوزه مرثیه و ترانه است. مجموعه این فعالیت‌ها نشان از دامنه و گستره شناخت او در حوزه‌های گوناگون نیز دارد.

یکی از این حوزه‌ها که شاید در آثار متنوع صرافان نامکشوف مانده، شعرهایی است که می‌شود آنها را در مجموعه‌های جداگانه برای سنین کودکان کلاس چهارم و نوجوانان تفکیک کرد و در اختیار آنان گذاشت یا در کتاب‌های درسی نمونه‌های درجه یک و درخشانش را درج کرد. یکی از این اشعار جالب که شاید درجه یک هم نباشد و از اشعار بسیار خوب برای کودکان و نوجوانان است، این چارپاره است که زبانی محاوره‌ای هم دارد:

یکی بار سفر بست

بند پوتین گره زد
دگمه‌های آخر بست
پدرم ساکش برداشت
پدرم قرآن بوسید
رفت و واسه آخرین‌بار دم در برگشت
و خندید توی قاب در، هنوزم اون نگاه آخرش هست
پدری که رفته اما رد پاش، پشت سرش هست
هنوزم شبیه عکساش رو لبش، همیشه خندس
پدرم شهیده، یعنی پدرم همیشه زندهس»

شاید این‌همه شعر درباره شهدا و آنانی که نیستند، بیشتر برای خودمان سروده شده است؛ یعنی شعرهایی که لبریز از حرمت و احترام به شهیداست اما اشعار دیگری هم شاعران دارند از برای آنانی که زنده‌اند و در جاری زندگی با ما در حال زندگی‌کردن و درباره تأثیرگذاری‌های بی‌واسطه آنان. این اشعار درباره جانبازان و آزادگان و نیز همسران ایشان است؛ بزرگانی که سرودن شعر برای ایشان، نه‌حال ایشان، بلکه حال ما و جامعه را نیز خوب می‌کند. یعنی اشعاری که ما را با این

دلش / هجای قامت آتشفشان / و شعله / تا / خرمن / تمام
فاصله چشم اوست / تا / چشم / فروندهاد / خشم / که ماند گارم / در لوت / .
به روز گارم / فروت / .
اسبیر لحظه / و / قربانی / چنان که دانم و دانی / کجا بکویم کویه / کجا گذارم سر / که رهسپار خرامان / به سمت قالی ایران / میان معبر جنگل / نشسته / خسته / حیران / گذر نموده / کجاوه / سفر نموده / دلبر / و غم / چنانش ریشه / که مانده / سبزه / همیشه / در این / شبانه تاز / و پشت این در بسته / محال باشد دیدار / محال باشد دیدار .

اگرچه شعرهای م. موید، خاصه شعرهای سپیدش را باید شعرهای القایی و نه شعرهای مفهومی دانست. شعر القایی شعری است که ممکن است تنها حسی را به مخاطب القا کند یا اینکه حسی و فضایی عاشقانه یا عارفانه یا حتی معنایی را نیز القا کند، معنایی که شاعرانه است و مستقیم به بیان نمی‌آید. در واقع بخشی از شعرهای ناب چنین حال، وضع و قابلیتی دارند. البته این به آن معنا نیست که همه اشعار «م. موید» که القایی هستند، پس همه نابند. نه، بلکه اشعار او خود را در این فضا قرار می‌دهند که ممکن است به شعری خوب یا ناب تبدیل شده یا نشوند:



بزرگان، اعم از خودشان و همسران‌شان که در سختی اما سختی شیرینی زندگی می‌کنند، پیوندی مضاعف ایجاد می‌کند و یکی‌شدن‌مان را عظمتی دیگر می‌بخشد؛ خاصه برای نسل‌های دیگر که آن دوران را از نزدیک ندیده‌اند.

شعر ذیل را با عنوان «بازگشت»، قاسم صرافان تقدیم کرده است به همسران باوفای جانبازان. به‌راستی که ترازوی عظیمی است: یکی می‌رود و

شهید می‌شود و دیگری بازمی‌گردد و جانباز می‌شود؛ کسانی که ایشان را در شعر و هنر و سینما می‌توان یگانه سنجید؛ و نیز یکی‌بودن‌شان را در عین متفاوت‌بودن‌شان را در رفتن و آمدشان نشان داد و نیز نشان دهد همسران ایشان را که در مقابل این دوواقع‌به‌ظاهر متضاد، عمل خالصانه یکسان دارند: «به‌عطر کوچک گره زده بهار پیرهنش را

و کند از دل تقویم، روز آمدنش را
گذشت از جلوی چشم‌های تازه‌عروسی
قدم به جاده و برداشت پرچم وطنش را
و رفت تا بسپارد به عشق، بال و پرش را
و رفت تا که بگوید، به خاک، راز تنش را
به‌جای پر زدن اما قرار شد که بیاید
برای شهر بگوید، برنده‌تر شدنش را
دوباره آمد و در زد، هوای مزه‌های بود
شناخت یکنفر اما صدای در زدش را
زنی که مانده نگاهش هنوز بر در خانه
گره به پنجره می‌زد، دخیل آمدنش را
به نیمه نگرانش، رسید زخمی و بخشید
تمام یک دل عاشق و نیمی از بدنش را»

بسیاری از اشعار این دفتر نیز درباره شهدای مدافع حرم یا از زبان همسران ایشان است. یکی از این شعرها به زعم من راتر از دیگر شعرهای در این باره است؛ شعری از زبان همسر یکی از مدافعان حرم که نگاه منطقی و عاقلاناش برآش از عاطفه و احساس و عاشقانهگی است. او رفتن همسرش و ماندن خودش را در هاله‌ای از واقعیت نشان می‌دهد و آنگاه رفتن و ماندن را از نگاه عاشق نوعی یگانگی و وحدت می‌بیند و باز فاصله‌اش را با شهید (یعنی همسرش) امری واقعی می‌بیند و در عین حال عاشقانه می‌گوید: «باید کسی باشد تا عروج تو

نگاهی به مجموعه شعر «زیر درخت آفتاب» از م. مؤید

شعر مدرن مذهبی

«شب وزش / شاید بوزد بر چهره‌ام / رویای دیربا / رودی آرام بنوازد / نشانی از گوشه چشم پیش از فروچکان باران / در این روز خجسته تاریک / درخش شب‌تاب‌ها فراسویند / مانداب / سخنی تازه شنیدم است از باران / که پیچپی دربرینه است / شاخساران نخل / گرده پنهانی می‌پراکنند / روشن و نوشینی زربین…»
با این همه، بیش از یک دهه است که شعرهای «م. موید» به سمت نوعی ساده شدن پیش می‌رود؛ نوع ساده شدنی که مختص و از آن اوست. یعنی شعرهایی که باز هم القایی است اما سطرهایش ساده و روشن‌اند و گنگی ندارند، خاصه وقتی که شعرها کوتاه هستند و عاطفی؛ شعرهایی که در سوگ مادر خود، مادر دوستش و نیز بیژن الهی سروده از این دست و از این دسته‌اند. شعرهای «م. موید» مثل شعرهای یدالله رویایی و احمدرضا احمدی ممکن است برای مخاطبان حرفه‌ای حتی ۸۰ درصدش گنگ باشد اما آن حدود ۲۰ درصدی که از اشعار این ۳ تن قابل حس و درک و دریافت است، گاه چنان درخشان هستند که می‌توان تعدادی از آنها را به لحاظ زیبایی‌شناسی هنری، از نمونه‌های درخشان شعر امروز دانست.

با این همه، مجموعه‌شعر «زیر درخت آفتاب»، آن دفتر شعری نیست که از م. موید انتظار می‌رفت و نمی‌توان آن را از مجموعه‌های درخشان او دانست. «م. موید» برخلاف گذشته، در دهه ۸۰ (کمتر) و ۹۰ تقریباً هر ۲–۳ سال در میان، یک مجموعه چاپ کرده است که دفتر «درخش» در این میان، یکی از بهترین‌هاست که من تنها بر ۲۰ صفحه اول آن نقدی مفصل نوشتم که در «هفته‌نامه کتاب‌خبر» نیز چاپ شد.

مجموعه شعر «زیر درخت آفتاب»، نیز در ۱۴۹ صفحه توسط انتشارات فصل پنجم منتشر شده است. اغلب اشعار این

بیش از یک دهه است شعرهای «م.

موید» به سمت نوعی ساده شدن پیش می‌رود؛ نوع ساده شدنی که مختص و از آن اوست. یعنی شعرهایی که باز هم القایی است اما سطرهایش ساده و روشنند و گنگی ندارند، خاصه وقتی شعرها کوتاه هستند و عاطفی؛ شعرهایی که در سوگ مادر خود، مادر دوستش و نیز بیژن الهی سروده از این دست و از این دسته‌اند



دیده شود؟» بعد از رفتن شهید که سبب محکم‌شدن ایمانش می‌شود می‌گوید: باز نه تعاقب قتل و منطق و واقعیت با عشق و عاشقی و حقیقت، بلکه در کنار هم قرار گرفتن این‌همه را در کنار هم به زیبایی نشان می‌دهد. تا آنجا که می‌گوید در این قصه کار تو رفتن است و کار من روایت رفتن تو است و یاد تو را از اشیای پیرامونم زنده نگه می‌دارم، تا واقعیت جامعه بزرگ ایران زنده نگه داشته شود:

«درسته شروع سفر فاصلس
یکی رفتیمی
سوی مندی
ولی هر جا باشی دلم با توئه
بدون! هر جا باشم، تو هم با منی
گاهی باید از دور، محبوب دید
از این فاصله عشق زیباتر
عروجت رو باید تماشا کنم
واسه اینکه پرواز یادم نره
توی دود اسفند، دید آسمون
گذشتی تو از زیر قرآن من
دعا کن، تو که آسمونی شدی

تو این صبر، محکم شه ایمان من
تو فصل رهایی، توی قصه‌می
به بخش از وجودم که راهی شده
من اون فصل بیداری قصه‌رامی
تو به بخش از وجودت که راهی شده
به یادت، به شمع‌دونیا آب می‌دم
به گنجشک‌ها دون می‌دم، جای تو
اگرچه می‌دونم ماث‌ها میا
اوانام دارن عادت به دستای تو».

چهارشنبه ۲۳ بهمن ۱۳۹۸

وطن امروز | شماره ۲۸۶۴

[شعر و ادب]

نکاه

چهارده منزل

[مهدی خدادادی]

یکی از آثار مقبول پیرامون شهدای

مدافع حرم، کتاب «شام برفی» به قلم محمد محمودی‌نورآبادی است.

نویسنده این کتاب با اطلاع از ماجرای اسارت ۱۵۹ روزه ۴۸ زائر ایرانی در بهمن‌ماه سال ۹۱ با هدف اطلاع از

صحت و سقم‌اخبار منتشره و انعکاس پیدا کرده در رسانه‌های غربی مبنی بر ماموریت نظامی این افراد پس از آزادی، سراغ تعدادی از این افراد رفته و با انجام سلسله مصاحبه‌هایی با راولیان این اتفاق علاوه بر ثبت سند مظلومیت این عزیزان، پرده از چهره واقعی اتفاقات سوریه و پشتوانه فکری این عناصر شیطان برمی‌دارد.

نویسنده با انجام مصاحبه‌های دقیق و باهدف به خوبی شرایط حاکم و احساس این اسرای مظلوم رابه تصویر کشیده و چهارده منزل مخاطب را همراه با این ۴۸ نفر ساخته است؛ منزلی که هر یک در حقیقت اسارت‌گاهی از اسارت‌گاه‌هایی هستند که این افراد در مدت ۱۵۹ شبانه‌روز دوره اسارت، مدتی را در هر یک از این منازل با تحمل فشارهای شدید عصبی و روحی و شکنجه‌های جسمی سپری کرده‌اند و روایت این افراد از هر یک از این منازل علاوه بر شرح این دوران، قطعات پازل هویت فکری گروه‌های تکفیری را بخوبی کنار هم چیده و در پایان تصویری کامل و جامع از این عناصر شیطان به مخاطب ارائه می‌دهد.

نویسننده در این کتاب با استفاده از زبان اول شخص، مخاطب را پای صحبت یکی از این ۴۸ نفر قرار داده و روایت‌های این دوره را بخوبی انعکاس می‌دهد؛ روایت‌هایی از اتفاقات، تلخی‌ها، شیرینی‌ها، خواب‌ها، اسنادهای غیبی و… روایتی از یک امتحان سخت الهی.

«فکر کنم خدولند ما را در معرض یک امتحان قرار دادمس و هنوز مدت زمان آن امتحان تمام نشدهس. یک دانه سبب را در نظر بگیرید، اگه نارس چیده بشه، خب یک تکه‌اش قد شاخه می‌مونه، نمی‌مونه؟ یا شایدم خود شاخه با اون کنده بشه.. در حالی که اگر سبب رسیده باشه، خودش از شاخه جدا میشه.. حالا این نقل امتحان هست که به نظرم هنوز نارس باشیم و وقت چیدن تمام نشدهس! پس با این حساب، آنچه ما در این مدت کشفیدیم، یک آزمون و امتحان الهی بودس که به لطف خدا و کرم اهل‌بیت(علیهم‌السلام)، تا حالم خوب از عهدش برآمدم.»

کتاب «شام لبری» به قلم محمد محمودی‌نورآبادی با مقدمه و بازنگری سعید عاکف در سال ۱۳۹۳ در ۲۸۵ صفحه توسط انتشارات ملک اعظم چاپ و به بازار نشر عرضه شد. این کتاب با توجه به استقبال عمومی، ۴ نوبت مورد تجدید چاپ قرار گرفت و بیش از ۱۳ هزار و ۲۰۰ نسخه از آن در اختیار مخاطبان قرار گرفت.

■ ■ ■

گلوله، عشق، مر ترضی

عشق همیشه دست‌مایه خوبی برای خلق گونه‌های مختلف ادبی از جمله داستان و رمان بوده است؛ موضوعی که هر نویسنده با توجه به نوع نگاه و جهان‌بینی خویش به این موضوع ورود می‌کند و گاه داستان رنگ و



بوی یوسف و زلیخا می‌گیرد، گاه شیرین می‌شود به کام خسرویی و گاه تلخ به کام فرهاد، گاه داغ ایلی می‌شود و به دل مجنونی می‌شیند و گاه وامقی می‌شود در پی عذرا. این داستان پر کشش هر بار و توسط هر نویسنده و سراینده‌ای با ایجاد فراز و فرودهایی در دل خویش مخاطب را تا انتها با خود همراه می‌کند؛ داستانی که خاستگاه آن توده مردم بوده و در دسته ادبیات عامه‌پسند جا می‌گیرد؛ ادبیاتی سرگرم‌کننده که بر پایه ذوق و سلیقه و علاقه مردم پدید می‌آید و خلاقیّت ادبی نقش چندانی در به وجود آمدن آن ندارد. «کتاب سبویی که نشکست» اثر طبع حسین ابراهیمی کوشالی نیز اثری است عاشقانه که داستانش در دل سال‌های دفاع‌مقدس اتفاق می‌افتد و داستانی عامه‌پسند به شمار می‌آید؛ داستانی با قضا سازی مناسب که حس و حال آن سال‌ها را برای مخاطب یخوبی تداعی می‌کند و این یکی از نقاط قوت آن به شمار می‌رود. «سبویی که نشکست» توسط یک نوجوان روایت می‌شود و نویسنده، زبان اول شخص را به همین نوجوان باشد ولی مخاطب با مطالعه داستان بی‌خواهد برداشته‌هاش از زبان نوجوان آن جوانی است که قصد ازدواج دارد و داستان این ازدواج و گره‌هایی که فصل به فصل در دل داستان ایجاد شده، مخاطب را تا پایان با خویش همراه می‌کند. حتی به جرات می‌توان گفت حذف این نوجوان ضربه‌ای به داستان وارد نمی‌کند و می‌توان نقش او در داستان را به سایر شخصیت‌ها نیز سپرد. در این اثر نویسنده بیش از اینکه به شخصیت اصلی یعنی مرتضی بپردازد، به روی داستان یعنی «رضا بخشنده» نوجوان ۱۳ ساله می‌پردازد؛ نوجوانی که شخصیتش باورپذیر نیست و پرداخت زیاد به شخصیت‌هاش از زبان داستان حوصله مخاطب را نیز سر می‌برد و تنها باعث زیاد شدن بی‌دلیل حجم کتاب شده‌است؛ نوجوانی که در سراسر داستان به سعی نویسنده می‌خواهد محور باشد ولی در نهایت کاربردی در حد اتصال اتفاقات و شخصیت‌ها دارد. نویسنده مدام در داستان به صورت خیلی مستقیم از زبان راوی شروع به شعر دادن می‌کند که مانند سرعت‌گیری، مخاطب را برای لحظاتی متوقف می‌کند. این کار نویسنده بیشتر اوقات بازخورد عکس آنچه در ذهنش داشته، برای مخاطب دارد. یکی دیگر از نقاط قوت اثر نیز استفاده از زبان داستان برای به روایت کشیدن موضوع انقلاب و دفاع‌مقدس است که اتفاقی خوب و میمون است. نویسنده در داستان، سال‌های ابتدایی انقلاب و جنگ را به تصویر کشیده، داستانی که در دلش توانسته ارتباطی نسبتاً خوب با وقایع آن سال‌ها از جمله داستان کار شکن‌های بنی‌صدر (رئیس‌جمهور وقت)؛ داستان تصویب عدم کفایت سیاسی وی در مجلس، اتفاقات تلخ ۶ و ۷ تیر سال ۶۰ و داستان ترور در آن سال‌ها برقرار کند و شخصیت اصلی و شخصیت‌های فرعی آن را با این‌س موضوعات پیوند دهد.

«کتاب سبویی که نشکست» اثر حسین ابراهیمی کوشالی توسط انتشارات شهید کاظمی در ۲۸۸ صفحه در سال ۱۳۹۶ چاپ و راهی بازار نشر شده است.

کتاب «شام لبری»

کتاب «شام لبری»

کتاب «شام لبری»